[301] دروغ گفته واز ما بريدند وما را خوار نمودند، وتو پروردگار ما هستى بر تو توكل كرده وبسوى تو روى آورده وبازگشت بسوى توست. آنگاه فرمود: عمربن سعد كجاست، أو را خواندند، ودوست نداشت كه نزد ايشان رود، امام فرمود: أي عمر تو مرا مى كشى، در حاليكه گمان مى كنى كه زنازاده پسر زنازاده تو را فرماندار شهررى وگرگان مى كند، سوگند به خدا هرگز بدان مسرور نمى گردى، اين پيمانى است كه بسته شده است، آنچه مى خواهى انجام ده، بدرستيكه تو بعد از من در دنيا وآخرت هرگز شادمان نخواهى بود، وگويا مى بينم سر تو بر بالاى نيزه أي در شهر كوفه قرار دارد، كه كودكان بسويش سنگ پرتاب مى كنند وآنها را بين خود هدف سنگ اندازى قرار داده اند. (19) خطبه آن حضرت در روز عاشورا روايت شده: آن حضرت بپا ايستاد وبه شمشيرش تكيه داد وبه صداى بلند فرمود: شما را به خدا قسم مى دهم، آيا مى دانيد جد من پيامبر خداست ؟ گفتند: آرى، فرمود: شما را به خدا قسم مى دهم، آيا مى دانيد مادر من _____